

# خیزش تهران را نمی توان از پاریس ساکت کرد

korosherfani@yahoo.com

کوروش عرفانی

شرح ماجرا :

صبح سه شنبه ۱۷ ژوئن پلیس فرانسه در حالیکه لباسهای جنگی به تن کرده بودند به خانه‌هایی حمله کردند که بعضا در آن تنها چند زن سالمند زندگی می‌کنند. قیافه‌های این ماموران که در حرکتشان وقاحت و بلاهت ترکیبی خنده‌دار و تاسف بار را بوجود می‌آورد دیدنی بود. سازمان اطلاعاتی پلیس فرانسه برای دستگیری ۱۶۵ نفر بیش از ۲۵۰۰ مامور بسیج کرد. یعنی کاری که قاعدتا با ۲۰۰ نفر مامور می‌شد انجام داد. بعد هم اعلام داشتند که بزرگترین عملیات تاریخ ۳۰ ساله اخیر خود را انجام دادند. البته امیدوارم بعدها فرصت کنم که مفصلا چیزهایی در مورد رفتارشناسی سیاسی فرانسویها بنویسم اما فعلا به گفتن چند نکته اکتفاء می‌کنم.

## تشخیص‌های غلط

تشخیص غلط انتخابهای اشتباه را بدنبال خواهد داشت. یکی از ویژگیهای دولت فرانسه شرط بندی روی اسب مرده است. در آفریقا بدترین نوع دیکتاتورها را حمایت می‌کردند. در ۱۹۹۳ از کودتای چند ساعته سه ژنرال پا به گور برای نجات اتحاد جماهیر شوروی پشتیبانی ضمنی کردند، در اواخر سال ۲۰۰۲ هنوز روی صدام حساب می‌کردند و حالا نیز باورشان شده است که ملاهای ایران حالا حالاها راس کار خواهند بود و قراردادهای آنچنانی به شرکتهای فرانسوی خواهند داد. تشخیص‌های عموما غلط این دولت یک سنت دیرینه در تاریخ سیاسی فرانسه است که زمان نتوانسته آنرا تغییر دهد چون ساختارهای بنیادی حاکمیت در اینجا همانیست که در دوره ناپلئون بناپارت، هر چند که قالب و شکل مدرنتر شده است. نبود ارزشهای اخلاقی در کار دولتهای پیاپی فرانسه نیز شناخته شده است. بطورمثال این کشور محلی است که در آن بیشترین ترور مخالفان ایرانی توسط تروریستهای جمهوری اسلامی صورت گرفته و درعین حال کشور نیست که این تروریستها بدون کمترین مزاحمتی آمده‌اند و رفته‌اند. اگر هم گاهی مشکلی پیش آمده است دولت فرانسه مشکلات خروج آنها از کشور و بازگشت به ایران را حل کرده است.

با یک چنین سابقه‌ای، رفتار کنونی دولت فرانسه نسبت به مجاهدین زیاد هم تعجب برانگیز نیست. بخصوص آنکه ایران از چند سال پیش به بازار مناسبی برای صنایع گوناگون فرانسه تبدیل شده است. صنعتی که به دلیل کیفیت پایین خود از استقبال چندانی برخوردار نیست. در حال حاضر بخش عظیمی از خودروسازی داخل کشور توسط صنایع فرانسوی تغذیه و تجهیز می‌شود. از سوی دیگر وجود تحریم در مورد صنایع نفتی ایران توسط آمریکا سبب شده است که بازار مناسبی

برای شرکتهای نفتی فرانسه ایجاد شود. شرکتهای کوچک نفت فرانسه به واسطه قراردادهای ایرانی خود به کمپانیهای بزرگ نفتی تبدیل شدند. صنعت نفت فرانسه این تحول تاریخی را تماما مدیون جمهوری اسلامی ایران است که با بدترین شرایط و امتیازات، بابت یک حق وساطت آبدار، حاضر به امضای هر نوع قرارداد وطن فروشانه‌ای است.

ایران هم چنین پس از تصرف عراق توسط آمریکا یگانه جای پای فرانسه در خاورمیانه است که در بین دو کشور در اختیار آمریکا - عراق و افغانستان - تنها مانع و مزاحم هژمونی منطقه‌ای آمریکاست. فرانسه که نتوانست سهمی از آینده عراق برای خود به چنگ زند اینک برآنست تا به هر بهایی که شده مانع از سقوط جمهوری اسلامی و باز شدن پای آمریکا به ایران شود. یادآوری کنیم که جمهوری اسلامی در عین حال یکی از ابزارهای اصلی سیاست خارجی فرانسه در خاورمیانه است. بارها دیده شده است که فرانسه مخالفت خود را در مقابل خط آمریکا در منطقه از طریق حکومت ایران اعمال می‌دارد. نقش جمهوری اسلامی در میان کشورهای عرب مکمل ضعفهای دیپلماسی فرانسه در جهان عرب است که در سالهای اخیر به شدت تحت تاثیر آمریکا و اسرائیل قرار دارد.

با عنایت به آنچه که آمد طبیعی است که جمهوری اسلامی، حکومت ایده آل فرانسه و هر گونه تغییری تهدید کننده منافع آن می‌باشد. لذا غیر قابل فهم نیست که دولت فرانسه برای حفاظت از رژیم تن به هرکاری در دهد، از جمله تار و مار کردن مخالفان این رژیم. حمله پلیس فرانسه به مجاهدین را باید در راستای استراتژی کاهش سرنگونی برای نظام ارزیابی کرد. یعنی یک محاسبه اقتصادی و سیاسی جدی و استراتژیک در پشت این اقدام پاریس مشهود است.

### **نقاط تاکتیکی اقدام دولت فرانسه :**

نگرانیهای دولت فرانسه بخصوص به دو دلیل عمده در چند روز اخیر افزایش یافت : از یکسو خیزش مردم ایران در داخل کشور که وارد دهمین روز خود شده است و رادیکالیزم آن و تداومش نوید بخش این نکته است که فرایند اعتراضی سرنگونی رژیم آغاز شده است. واکنشهای کور و خشن رژیم هر چه بیشتر آنرا در باتلاق نابودی فرو می‌برد و مردم نیز با روحیه گرفتن از موفقیت‌های خود، مکانیزم‌های تداوم بخشی و جلو بردن خیزش را پیدا کرده‌اند. این واقعیت، تبدیل خیزش به جنبش را بتدریج امکان پذیر و شانس سرنگون سازی نظام را به شدت افزایش داده است.

دلیل دیگر مشکلات سخت جمهوری اسلامی در رابطه با توطئه‌های اتمی‌اش است که بزودی یک سری از فشارهای سخت بین‌المللی را متوجه این نظام درمانده خواهد ساخت. ترکیب فشار درونی و بیرونی بیانگر آمادگی صحنه برای فروپاشیدن نظام دارد.

به دلیل این دو عامل، دولت فرانسه به سرعت باید مسکنی به بدن بیمار رژیم وارد می‌ساخت تا بواسطه آن سران نظام قدری به خود آمده، امید یابند و به قمه کشان خود در صحنه امید باقی ماندن و دوام را بدهند. اما یکبار دیگر دولت فرانسه دچار یک خطای استراتژیک شد و با سرمایه گذاری روی یک حکومت درمانده و مفلس، میلیاردها دلار از ثروتهای مردم فرانسه را بر باد خواهد داد. حال آنکه، قدری هوش سیاسی می‌توانست از دولت فرانسه یک پشتیبان واقعی برای مبارزات کنونی مردم ایران و یک دوست برای حکومت فردای کشورمان بسازد. چه می‌توان کرد. بافت سیاسی دولت فرانسه همیشه طوری بوده که دفاع از دولتهای جلاد و آدمکش را، به دلیل اطمینان بخشی آنها، بر دفاع از حرکت‌های آزادیخواهانه در کشورهای جهان سوم ترجیح داده است. مفهوم منافع کوتاه مدت و دراز مدت زیاد برای تصمیم‌گیران فرانسوی مطرح نیست. چون بعنوان یک امپریالیسم کوتوله، فرانسه مجبور است که به جای پذیرش مصاف شکار، به ارتزاق از باقیمانده‌ها قناعت کند.

اما دولتمردان فرانسوی باید بدانند که با دستگیری مجاهدین و ممانعت از فعالیتهای آنها

تنها یک چرخ از این ماشین بزرگ مبارزه مردم ایران را پنچر کرده‌اند. امروز آگاهی اجتماعی که موتور مبارزات ضد حکومتی است در ایران شکل گرفته و در حال نشان دادن آثار خود است. امروز دیگر سرنوشت جنبش داخل کشور با سرنوشت هیچ سازمانی گره نخورده است. آنچه از ده شب پیش در ایران آغاز شده دینامیزم درونی خود و مکانیزم‌های خاص خویش را دارد و تحت تاثیر حرکاتی از این دست در خارج از کشور قرار نمی‌گیرد. سرنوشت این رژیم در داخل کشور و توسط مردم ایران تعیین خواهد شد و اراده بریتانیا و فرانسه و امثالهم نمی‌تواند چیزی را در این میان عوض کند. اگر مجاهدین را توقیف کرده و زندانی هم کنند، آنچه مجاهدین در این ۲۴ سال مبارزه بنا نهادند دارد در داخل کشور عمل می‌کند. اگر تمام اعضا و هواداران مجاهدین را هم به حبس بکشند، براداران و خواهران آنها در ایران، در میان توده‌های میلیونی به فروش آمده کار رژیم را تمام خواهند کرد. امروز نه فقط حضور فیزیکی مجاهدین، که ایده و روح مبارزاتی آنهاست که کارساز است.

### **نتیجه گیری :**

دولتمردان فرانسوی می‌خواستند که مجاهدین، تهران را از پاریس شلوغ نکنند، اما آنها توجه نمی‌کنند که شلوغیهای کنونی تهران را هم نمی‌توان از پاریس آرام کرد. مجاهدین گرگان و مشهد و اصفهان را نمی‌توان در پاریس به زندان انداخت. ملتی به خود آمده و تشنه آزادی و عدالت را نمی‌توان با تروریست خواندن مبارزانش از خواستهایش منصرف کرد. چرخ تحول در میهنمان به حرکت در آمده است، یا هر کشوری خود را با آن هماهنگ خواهد کرد و یا آنکه شتاب گردش این چرخ، آن را به تاریک‌گاههای تاریخ آینده میهنمان پرتاب خواهد کرد.